

باسفیران اروپای شرقی در تهران

فروغ پوریآوری

از همان روزهایی که تصمیم به نوشتن گزارشی درباره تحولات اروپای شرقی گرفته شد، بخشی از آن به گفتگو با سفیران این کشورها در تهران اختصاص یافت و گزارشگر آدینه - فروغ پوریآوری - تلاش کرد تا با سفیران این کشورها تماس بگیرد. اما به علت مشکلات و احتمالاً "دلمشغولیهائی" که این روزها برای ماموران دیپلماتیک این کشورها وجود دارد، دسترسی به سفیر آلمان شرقی میسر نشد. با سفیران دیگر کشورهایی که در ماههای اخیر عرصه دگرگونیهای بزرگ بوده اند، گفتگوهای انجام شده است که در اینجا خواهد آمد.

تبادل نظر میدارند. شرکت کنندگان کنفرانس به این نتایج رسیدند:

- قانون اساسی باید از نو نوشته شود.
- نظام سوسیالیستی باید تغییر کند.
- کشور باید سیستم پارلمانی خاص خود را داشته باشد.

- یک جامعهی دموکراتیک تمام عیار به وجود آید.

- جمهوری جدید باید به مردم و حقوق بشر احترام بگذارد. در نتیجه این مذاکرات عنوان کشور که جمهوری سوسیالیستی خلق مجارستان بود، به جمهوری مجارستان تبدیل شد. انتخابات پارلمانی به زودی انجام خواهد گرفت و احتمالاً در ماه مارس آینده، رییس جمهوری کشور انتخاب خواهد شد.

● انتخاب خواهد شد؟!

- بله. رییس جمهوری آینده مجارستان از سوی مردم، و از طریق یک همه پرسی، انتخاب خواهد شد. همه پرسی ملی روز هفتم ژانویه ۱۹۹۰ انجام خواهد گرفت و بعد از انتخابات، دولت ائتلافی روی کار خواهد آمد. هر حزبی که طرفداران بیشتری داشته باشد، وزیران بیشتری در کابینه خواهد داشت. برخی از احزاب خواستار ایجاد تحولات اساسی در صحنه سیاسی کشور هستند و می خواهند کل نظام را تغییر بدهند و این سیستم به اصطلاح سوسیالیستی را به ساختاری مدرن و صنعتی، بیشتر شبیه به سوئد، تبدیل کنند. در حال حاضر، احزاب سیاسی نوپا فعالیتهای انتخاباتی خود را آغاز کرده اند و نامزدهای خود را برای احراز پست ریاست جمهوری مجارستان معرفی کرده اند.

● در حال حاضر، چند کاندیدا، برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری معرفی شده اند؟



اروپا و اروپا

سفیر جمهوری مجارستان در تهران

هرحال، تغییر و تحولات در دو جهت انجام می گیرد: سیاسی و اقتصادی.

از نظر سیاسی، آن چه که در مجارستان روی داده، بی مانند است. زیرا حزب حاکم پیشین تصمیم گرفت، احزاب و گروههای دیگر را در قدرت خود سهیم کند. به هنگام این تصمیم گیری، مجارستان، عملاً "کشوری تک حزبی بود و به جنبشهای دیگر به چشم حزب نگریسته نمی شد. اما اکنون واقعا احزاب سیاسی گوناگون در مجارستان وجود دارند. این نخستین گام بزرگ در جهت از بین بردن ساختار سیاسی کهنه و ایجاد سیستمی نوین بود که از سوی حزب حاکم وقت برداشته شد. این امر، در طول تاریخ بی سابقه است. حزب کمونیست، در همین راستا، از تمام گرایشها دعوت کرد تا در کنفرانس میزگرد شرکت کنند و پیرامون مهمترین مسائل موجود کشور، و به ویژه، در مورد آیندهی مجارستان به بحث و

● جناب سفیر، تحولات

اخیر اروپای مرکزی را

چگونه ارزیابی می کنید.

آیا این تغییرات

در نهایت به نزدیکی کاپیتالیسم و سوسیالیسم خواهد انجامید؟

من نمی توانم درباره تمام کشورهای سوسیالیستی حرف بزنم. فقط می توانم درباره مجارستان بگویم. زیرا سفیر کشور کوچکی هستم. این طور به نظر می رسد که در مجارستان واقعا "نوعی تغییر و تحول اساسی دارد اتفاق می افتد. مردم مجارستان تصمیم گرفته اند به نظام موجود، گونه ای سوسیالیسم، که بنیان آن چهار دهه پیش ریخته شد، پایان دهند.

می گویم گونه ای از سوسیالیسم، زیرا هیچکس معنای واقعی سوسیالیسم را نمی داند. البته در باب سوسیالیسم کتابهای درسی و نیز فرضیه هایی وجود دارد، اما فکر می کنم در عمل هیچ کشوری نتوانسته فرمولی کارا از سوسیالیسم به دست دهد و هنوز یک کشور واقعی سوسیالیستی به وجود نیامده است. اما آن سوسیالیسمی که ما چهار دهه پیش اختیار کردیم، بسنده نبود و موجبات کندی توسعه مجارستان را فراهم آورد و در واقع شکاف میان بخش غربی و بخش شرقی اروپا را وسیعتر کرد. مشکلاتی که از این رهگذر به ارث برده ایم، عمدتاً ماهیت اقتصادی دارند. مجارستان نمی توانست همگام با آهنگ توسعه کشورهای اروپای غربی پیش برود. در نهایت، محافل اقتصادی، سیاسی و علمی کشور به این نتیجه رسیدند که برای متوقف کردن ایستایی اقتصادی و علمی کشور باید سیستم قدیمی از بین برود، و تمام ابزارهایی که در اروپای غربی کارایی خود را به ثبوت رسانده اند باید در جامعهی کنونی مجارستان مورد استفاده قرار گیرند. به



چهار نفر:

● تحولات اقتصادی مجارستان عمدتاً در چه زمینه‌هایی متمرکز خواهد بود؟

با توجه به تغییرات بنیادی‌ای که در سیستم سیاسی کشور به‌وجود آمده، همه انتظار دارند که در زمینه‌ی اقتصادی هم شاهد تحولی اساسی باشند. فکر می‌کنم افزایش نقش بخش خصوصی مهمترین زمینهٔ تحولات اقتصادی کشور باشد. بخش خصوصی تاکنون نقش بسیار اندکی در اقتصاد ملی مجارستان، و به‌ویژه در بخشهای تولیدی و صنعتی داشته است. حال قانون اساسی و همهٔ احزاب نقش بسیار بیشتری را برای بخش خصوصی پیش‌بینی می‌کنند. قوانین جدید، امکان سرمایه‌گذاریهای خصوصی را برای همگان میسر می‌سازد. البته، روی سرمایه‌گذاریهای خارجی هم خیلی حساب می‌کنیم. تمام کشورهای جهان می‌توانند فعالیت اقتصادی خود را در مجارستان آغاز کنند، می‌توانند سرمایه‌گذاری مشترک کنند یا روی پروژه‌های صدور درصد خصوصی سرمایه‌گذاری کنند. در واقع، به‌این ترتیب، به تمام جهان چراغ سبز می‌دهیم. زیرا معتقدیم مشکلات اقتصادی ما فقط در صورت نزدیک شدن به اقتصاد بازار آزاد حل خواهد شد. می‌دانید که مجارستان بدیهیهایی هنگفتی دارد...

● چقدر؟

حدود ۱۶ یا ۱۷ میلیارد دلار. پرداخت این بدهیهایی یکی از شایع‌ترین وظایف دولت خواهد بود. از سوی دیگر، ساختار تولید در مجارستان نوسازکننده است و درآمد ملی ما کفاف بازسازی اقتصادی را نمی‌دهد. برای بازسازی به‌عوامل متعددی از قبیل منابع بیشتر و سرمایه‌گذاریهای خصوصی، داخلی و خارجی نیاز داریم. برای دستیابی به صنایع معدن و افزایش ظرفیت تولید، باید بر میزان اعتبارها و وامها بیفزاییم. معتقدیم که پس از برگزاری انتخابات، شرکای کاری سنتی ما در غرب، مبادرت به تأسیس موسسات و شرکتهای مشترک با خصوصی در مجارستان خواهند کرد.

● آقای سفیر، درجایی به‌امکان سرمایه‌گذاری خصوصی مردم مجارستان اشاره کردید، آیا واقعاً "مردم شاپولی برای سرمایه‌گذاری دارند؟ و اگر دارند، پس تا به حال، با این سرمایه‌ها چه می‌کرده‌اند؟

بعضی از مجارستانیها ثروتمند هستند، اما از آن جا که این گروهها در گذشته نمی‌توانستند سرمایه‌های خود را در زمینه‌های تولیدی به‌کار ببندازند، در بیست سال گذشته پول خود را عمدتاً "صرف خرید ملک و املاک می‌کرده‌اند. اما از این پس، مطمئناً در زمینه‌های صنعتی و تولیدی سرمایه‌گذاری خواهند کرد.

● آقای سفیر، دوره‌ی انتقالی مجارستان حدوداً "چقدر طول خواهد کشید؟

از نظر سیاسی، دوران انتقالی از بهار امسال آغاز شد و همهٔ شرکت‌کنندگان کنفرانس

در میزگرد (اعم از حزب حاکم، احزاب مخالف و...) بر این نکته‌ها تأکید داشتند که اولاً " دوران انتقال باید صلح‌آمیز باشد و ثانیاً " نباید زیاده‌از حد طولانی شود. مهمترین فعالیت سیاسی، تهیه‌ی چارچوب قانونی برای تحولات بود که انجام شد. در صورتی که انتخابات در ماه مارس برگزار شود و دولت ائتلافی جدید تشکیل شود، در واقع، از حیث سیاسی، دوران انتقال را پشت سر گذاشته‌ایم. در زمینه‌ی اقتصاد، دوره‌ی انتقالی طولانی‌تر است، زیرا در راستای بدل شدن از گونه‌های اقتصاد، به‌گونه‌های دیگر، نمی‌توان معجزه کرد. دست‌کم سه تا پنج سال طول می‌کشد تا نتایج تحولات احساس شود. اما بی‌تردید، دولت کنونی و نیز دولت ائتلافی آینده، همان خط اصلی یعنی بازسازی اقتصادی را دنبال خواهند کرد. ما عضو "کومکون" هستیم. به‌تمام تعهداتمان در قبال کومکون عمل خواهیم کرد، اما امیدواریم فضای بیشتری در بازارهای غربی به‌دست بیاوریم. از این رو، مذاکرات



مجارستان



دو جانبه را با کشورهای مختلف آغاز کرده‌ایم. در حال حاضر، قویاً "خواستار دستیابی به توافقهای ویژه‌ای برای از میان برداشتن تبعیضهایی که هنوز در مورد صادرات مجارستان اعمال می‌شود - از قبیل سهمیه‌بندی، موانع گمرکی و... هستیم. در این راه، اقدامهایی کرده‌ایم و تا حدودی به‌بازار مشترک نزدیک شده‌ایم. احتمال عضویت مجارستان در بازار مشترک وجود دارد. این احتمالی است که شاید چند دهه‌ی دیگر عملی شود.

● این روزها، همه درباره‌ی وحدت اروپا صحبت می‌کنند، آیا امکان وحدت واقعی اروپا وجود دارد؟

این مسأله، بسیار بغرنجی است، مجارستان همواره یک کشور اروپایی بوده و فرهنگ ما قاعدتاً " نمی‌توانسته از دستاوردهای عظیم فرهنگی کشورهای اروپایی دور بماند. مجارستان،

این روزها، و به‌خصوص در آینده تلاش می‌کند تا تمام موانع موجود در راه وحدت اروپا، موانعی که موجبات تقسیم اروپا را فراهم آورده‌اند، و اروپای شرقی و اروپای غربی را به‌وجود آورده‌اند، از میان بردارد. مجارستان، گرچه کشور کوچکی است، گرچه به‌یک سیستم خاص سیاسی متعلق بوده، اما همواره گامهایی در جهت برقرار کردن همکاری و از میان بردن تنشج در روابط کشورها برداشته است. مثلاً " در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، برخی از رهبران سیاسی غرب - هلموت کهل صدراعظم آلمان غربی و فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه - با اینکه روابط متشنجی با کشورهای سوسیالیستی داشتند، از مجارستان دیدن کردند. این، بدین معنا است که مجارستان همواره برای ایجاد روحیه‌ی همکاری، تفاهم و اعتماد میان کشورهای اروپای شرقی و اروپای غربی تلاش کرده است. خوشبختانه حالا، اوضاع و احوال بین‌المللی به‌مراتب مساعدتر از گذشته است. سیاست خارجی شوروی به گونه‌ای اساسی تغییر کرده است و همه چیز دارد متحول می‌شود و مجارستان در جبهه‌ی مقدم قرار دارد. اخیراً " چند پیمان‌نامهٔ اروپای غربی را امضا کرده‌ایم، پیمان‌نامه‌هایی که مجارستان را قادر می‌سازد وارد جامعه‌ی اروپا، و پارلمان اروپا بشود. فکر می‌کنم سال آینده مجارستان به‌عضویت کامل جامعه‌ی اروپا درآید. از سوی دیگر، اعلامیه‌ی حقوق بشر، و چند موافقتنامه‌ی فرهنگی را هم امضا کرده‌ایم.

● مجارستان، نخستین کشور سوسیالیستی است که به‌عضویت جامعه‌ی اروپا درخواست آمد این‌طور نیست؟

دقیقاً " همین‌طور است. معتقدیم که در پی برگزاری انتخابات، مجارستان می‌تواند به‌عضویت پارلمان اروپا درآید. ملاحظه‌ی کنید که چارچوب اصلی سیاست خارجی مجارستان، تماس در جهت نزدیک کردن شرق و غرب است. البته در این راه موانعی سهمگین مانند عدم اعتماد، ساخت‌وپاختهای پنهانی و... وجود دارد. عدم اعتماد دیر یا زود حسای خود را به‌اعتماد خواهد داد. من معتقدم که به‌موازات تحولات عظیم اخیر، مسألهٔ خلع - سلاح باید به‌طور جدی مورد بررسی قرارگیرد. باید تدابیر تازه‌ای برای برقراری امنیت مشروع تمام کشورهای قاره اتخاذ شود. آرمان مجارستان، اروپایی متحد و سرشار از صلح است. اروپایی که کشورهای آن جدا از به رسمیت شناختن حق حاکمیت هر کشور و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، به‌حقوق بشر احترام بگذارند. ما در همین زمینه‌ی اخیر با برخی از کشورهای همسایه‌مان مشکلاتی داریم، و آن مسأله، سه میلیون مجاری است که در پی امضای معاهده‌های صلح پاریس و از دست رفتن ۱/۳ از خاک مجارستان، از ما جدا شدند و در

در میان بود، و همه ما، از جمله اعضای حزب کمونیست پیرامون ضرورت اصلاحات و تغییرات واقعی در سیستم اقتصادی و سیاسی کشور بحث کردیم.

● در این صورت، چرا واقعا "هیچ گامی در جهت آغاز اصلاحات برداشته نشد و چرا تنها پیامد آن بحثها غیرقانونی اعلام شدن "همبستگی" بود؟

- در آن زمان، یعنی در سال ۱۹۸۱، شرایط سیاسی لهستان برای ایجاد تغییرات واقعی مهیا نبود. اعضای حزب و دولتمردان معتقد بودند که دکترین برژنف به ارتش شوروی اجازه مداخله فوری در امور لهستان را خواهد داد. تهدیدی واقعی پیرامون بروز جنگ داخلی در لهستان و وقوع جنگ در سراسر اروپا وجود داشت. به همین دلیل ژنرال یاروزلسکی و رهبران حزب با اعلام وضعیت فوق العاده (اضطراری) در لهستان، فعالیت تمام سازمانها و احزاب، از جمله احزاب مخالف و "همبستگی" را ممنوع کردند. البته دولت و حزب از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ سعی کردند نظام موجود اقتصادی و سیاسی را اصلاح کنند، اما کمترین موفقیتی به دست نیاوردند. زیرا ساختار به شدت بوروکراتیک اقتصادی اجازه کمترین تغییری را نمی داد. حزب داشت اعتماد مردم را از دست می داد و اکثریت مردم خواستار فعالیت مجدد "همبستگی" بودند. در سال ۱۹۸۹، رهبران حزب و به ویژه ژنرال یاروز-لسکی از تمام رهبران احزاب مخالف دعوت کردند تا در یک میزگرد شرکت کنند. نتیجه از پیش معلوم بود. تمام نیروهای سیاسی، من جمله کلیسا که نقش بسیار مهمی در صحنه سیاسی کشور دارد، تصمیم گرفتند که نظام موجود را، که سیستم استالینیستی از مد افتاده، نامیده می شد، به شدت تغییر دهند.

در میزگرد، پیرامون حاکمیت دمکراسی پارلمانی و انتخابات آزاد تصمیم گرفته شد و در همان حا اعلام شد که هر حزب چه تعداد کرسی در پارلمان داشته باشد. در زمینه اقتصاد هم تصمیم به برقراری بازار آزاد گرفته شد. روز چهارم ژوئن، اکثریت مردم به نامردهای "همبستگی" رای دادند. این واقعه سیاسی بسیار مهم نشان دهنده کاهش اعتبار حزب کمونیست در نزد رای دهندگان بود.

● ترکیب کابینه جدید لهستان چگونه است؟ از قرار هنوز پستهای کلیدی در دست کمونیستها است. این طور نیست؟

- دولت جدید را دولت ائتلافی می نامیم زیرا نماینده تمام احزاب کشور است. همان طور که می گوید کمونیستها هم در آن عضویت دارند. وزارتخانه هایی که وزیر کمونیست دارند عبارتند از: دفاع - کشور (نیروهای امنیتی). بازرگانی خارجی. رئیس بانک ملی لهستان هم عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست است. اما این امر تأثیری در روند

سازندگی هستند. کارگران به تدریج به این نتیجه منطقی رسیدند که دستیابی به استابداردهای بالاتری از زندگی، امکان پذیر است و به انتقاد از کل نظام پرداختند. اعتصابات کارگری و در حقیقت مخالفت کارگران با نظام موجود از سال ۱۹۷۶ آغاز شد، و درست در همان زمان لخواصا به هستی گذارد، او یکی از رهبران نهضت کارگران بود. متاسفانه، در آن زمان رهبران حزب نتایج واقعی و درستی از اعتصابات نگرفتند. در سال ۱۹۸۵ نهضت مخالفان، به اتحادیه همبستگی کارگران تبدیل شد. دیگریای یک انقلاب واقعی و روشنگرانه



استفان نیشچیکوویچ
سفر لهستان در پیرامون

● وضعیت جدید لهستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

- شرایط تازه لهستان بسیار دشوار و پیچیده است، اما به صراحت می گویم که از بابت وقوع این تحولات خیلی خوشحال هستم. حال می توانم بگویم که آینده واقعا چگونه خواهد بود، زیرا که در مرحله انتقال از سیستم کهنه بوروکراتیک به نظامی جدید قرار داریم. اما تأکید می کنم که همه مردم از جمله اعضای حزب کمونیست از نظام بسیار کند و بسیار بوروکراتیک لهستان که موجبات بحران سیاسی و اقتصادی کشور را فراهم آورده بود، به تنگ آمده بودند.

● تحولات لهستان از چه سالهایی آغاز شد؟

- مقدمه تحولات در سالهای میانه دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، یعنی هنگامی که متخصصان اقتصاد و نیز سیاستمداران به این نتیجه رسیدند که اقتصاد متمرکز نه تنها دیگر باب نیست، که بی فایده، غیرعقلی، و در واقع ضد تولید است، که در اقتصاد پیچیده واپسین دهه های قرن بیستم برنامه ریزی تمام جزئیات در کارخانه ها، موسسات، سازمانها و غیره... ناممکن است، که کارگران لهستانی فاقد کمترین انگیزه مثبتی برای تلاش و سازندگی هستند.

کارگران به تدریج به این نتیجه منطقی رسیدند که دستیابی به استابداردهای بالاتری از زندگی، امکان پذیر است و به انتقاد از کل نظام پرداختند. اعتصابات کارگری و در حقیقت مخالفت کارگران با نظام موجود از سال ۱۹۷۶ آغاز شد، و درست در همان زمان لخواصا به هستی گذارد، او یکی از رهبران نهضت کارگران بود. متاسفانه، در آن زمان رهبران حزب نتایج واقعی و درستی از اعتصابات نگرفتند. در سال ۱۹۸۵ نهضت مخالفان، به اتحادیه همبستگی کارگران تبدیل شد. دیگریای یک انقلاب واقعی و روشنگرانه

کشورهای دیگر زندگی می کنند. طبیعی است که نمی توانیم نسبت به آنها بی تفاوت باشیم. در حال حاضر، حدود دو میلیون مجاری در رومانی زندگی می کنند که از ابتدایی ترین حقوق ملی خود محروم هستند. به نظر ما، این امر، در اروپای مدرن، و در پایان قرن بیستم، غیرقابل تحمل است. طبیعی است که به ما می خیزیم و در جهت حمایت از آنها از سازمانهای بین المللی طلب استمداد می کنیم. مجاریهای ساکن رومانی تا بیست سال پیش هیچ مشکلی نداشتند. اما سیاستهای بیست سال اخیر رومانی، در جهت یکسان سازی اجباری، فشار بی حدی بر مجاریها اعمال کرده است. آنها به موجب این سیاست، اجازه ندارند در شرکتها و کارخانه ها به زبان مادری خود صحبت کنند، چرا که تحت پیگرد قرار می گیرند. اجازه ندارند، فرهنگ و زبان خود را اشاعه دهند، تمام دانشگاهها و کالجها و دبیرستانهایی که به زبان مجاری تدریس می کردند، تعطیل شده اند. و تنها دوره ای آموزش به زبان مجاری، دوره چهارساله ای ابتدایی است که آنها بسیار سطحی و محدود است. مجاریها، مجبورند زبان رومانیایی را یاد بگیرند... قبلا تعداد زیادی نثار به زبان مجاری وجود داشت، حالا تقریبا همه آنها را تعطیل کرده اند. مانع چاپ کتاب و انتشار روزنامه به زبان مجاری می شوند، فعالیت های روزنامه نگاری و ادبی بسیار محدود است و دقیقا کنترل می شود. مجاری های ساکن رومانی حقیقتا "رنج می برند. در این حال، مذهب یون هم مورد تعقیب و آزار قرار می گیرند. زیرا مذهبی ها و کشیش ها، اعم از کاتولیک و پروتستان، سعی می کنند هویت ملی را حفظ کنند. به نظر ما آنچه بر سرجاریهای ساکن رومانی می آید هتک حرمت است و با انسانیت و معیارهای قرن بیستم به شدت تناقض دارد. ما ایدا " قصد نداریم آنها را تشویق کنیم که به مجارستان بازگردند. زیرا قرنهای در رومانی زندگی کرده اند و با مردم رومانی همزیستی مسالمت آمیزی داشته اند و هیچگونه ادعای ارضی هم نداریم، اما این وضع هم قابل تحمل نیست و ما هم چنان از تمام سازمانها و نهادهای بین المللی می خواهیم که این معضل بسیار جدی را برطرف کنند. این امر، در سیاست ملی مجارستان، هم برای مردم و هم برای احزاب سیاسی، از اولویت خاصی برخوردار است.



اصلاحات ندارد، زیرا همه متعهد شده‌اند که مجری تصمیم‌های اتخاذ شده در کنفرانس میزگرد باشند.

● لهستان پس از اصلاحات به کدامیک از نظامهای موجود نزدیکتر خواهد بود؟

— ماسیستم تازه خود را سوسیال دموکراسی، سرمایه‌داری، سوسیالیستی، پاناسیونالیستی نمی‌نامیم. چون حقیقتاً هیچیک از اینها نخواهد بود. آنچه ما می‌خواهیم در لهستان به‌وجود بیاوریم مجموعه‌ای خواهد بود از همه اینها. در همه حال، دموکراسی باید ارجح باشد. تمام نیروهای سیاسی برای کار کردن در راه بهبود اوضاع لهستان متحد شده‌اند و من دقیقاً به همین دلیل از وضعیت جدید طرفداری می‌کنم.

● نظر شما راجع به برنامه‌های اقتصادی دولت ائتلافی چیست؟

— سیاستهای اقتصادی جدید، یعنی انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار آزاد، بسیار رادیکال است. باید به شدت کار کنیم. در عین حال روی کمک کشورهای پیشرفته و به ویژه IMF و بانک جهانی حساب می‌کنیم.

● لهستان یکی از بدحکامترین کشورهای دنیا است، می‌توانید میزان دقیق بدهی‌های لهستان را اعلام کنید؟

— در حال حاضر ۳۹ میلیارد دلار به کشورهای مختلف بدهی داریم. و این بار بسیار سنگینی بر دوش اقتصاد ما است. توجه داشته باشید که ما در طول ده سال گذشته ۵۲ میلیارد دلار بابت بهره بدهی‌ها پرداخت کرده‌ایم.

● و طلبکارهای عمده‌تان کدام کشورها هستند؟

— ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا و تا حدی هم ژاپن. انتظار داریم کلوب پاریس مساله دیون لهستان را حل کند.

● با توجه به اینکه نحوه حمایت غرب را در گذشته، در خلال جنگ جهانی دوم و پیش از آن تجربه کرده‌اید، آیا باز هم نسبت به کمک غربیها خوشبین هستید؟

— حالا شرایط فرق کرده شخصاً معتقدم که امریکاییها و غرب به ما کمک خواهند کرد چون دارند متوجه می‌شوند که اوضاع لهستان تا چه حد وخیم است. از این گذشته، یاری به لهستان به نفع کشورهای کمک‌کننده خواهد بود.

● رهبران اتحادیه "همبستگی" می‌گویند دولت ائتلافی باید به گونه‌ای عمل کند که مردم حداکثر ظرف یکسال آینده اثرات مثبت آن را در زندگی روزمره احساس کنند. به نظر جنابعالی مردم لهستان این دوره انتقالی را چگونه پشت سر خواهند گذارد؟

— مهمترین وظیفه دولت جدید بازسازی وضعیت اقتصادی است. حالا با نرخ بسیار بالای تورم روبرو هستیم. استاندارد زندگی

لهستان

شناخت پدیده‌های موجود، توانایی خاصی دارد. برای قبولاندن برنامه‌ها و عقایدش به مردم استعداد ذاتی دارد. مردم لهستان بسیار دوستش می‌دارند و حال دیگران را در شخصیت جهانی می‌شود. آن گونه که مردم خارج از لهستان فکر می‌کنند، او ضد کمونیست نیست. اما در عین حال کاتولیک است، کاتولیکی بسیار معتقد و مخلص.

● از او خوشتان می‌آید؟

— بله. وقتی حرف می‌زند، همیشه می‌خندم، چون برای ارائه حرقها و نظراتش راهی خیلی خاص، به کلی متفاوت با سیاستمداران دارد. گاه به نظر آدم ساده‌ای می‌آید. و گاه از این می‌ترسم که مبادا روزی خودکامه لهستان بشود. البته در این مورد تردید دارم، اما ممکن است محبوبیت او، از او یک دیکتاتور بسازد. و السا بسیار صادق است.

● نظرتان راجع به آینده کشورهای که هنوز موج اصلاحات به آنها سرایت نکرده، مثل رومانی و چکسلواکی چیست؟

— واقعاً نمی‌دانم در چکسلواکی و رومانی چه پیش خواهد آمد. نمی‌دانم که مردم آنجا از سیستم و دولت خود راضی هستند یا نه. اجازه بدهید مردم آنجا هم مثل ما خودشان تصمیم بگیرند. هیچ کس نباید در امور داخلی کشور دیگری دخالت کند. شاید مردم این دو کشور، به ویژه چکسلواکی، از وضعیت سیاسی و اقتصادی خود راضی باشند. اما بعضی وقتها حرکت کردن در جهت مخالف گرایش‌های موجود بسیار دشوار است. مثلاً در کشورهای اروپای مرکزی، دیگر باید همه چیزهای کهنه را عوض کنیم. هر چیزی که ضد خواسته‌های مردم است باید از بین برود. مردم حق دارند و باید در محیطی دموکراتیک زندگی کنند.

مصاحبه با آقای یژی ماچهفسکی
مستشار بازرگانی سفارت لهستان

● ممکن است خطوط عمده برنامه اقتصادی دولت جدید لهستان را تشریح کنید.

— این برنامه از سوی آقای بالسیروبیچ معاون نخست وزیر و وزیر دارایی لهستان ارائه شده و به نام وی معروف است. وی عضو اتحادیه همبستگی و تحصیل کرده آمریکا است. مهمترین برنامه‌های اقتصادی دولت جدید عبارتند از:

— مبارزه با تورم فزاینده کشور. در این راستا، دولت جدید در نظر دارد کسربودجه را از راه‌های گوناگون مثلاً "لغو سوسید، به ویژه در بخشهای تولیدی به حداقل برساند. — در نظر است تمام کارخانه‌هایی که سوددهی ندارند، تعطیل شوند یا به سازمانهایی که

حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد تنزل پیدا کرده. مردم انتظار دارند طرف یکی دو سال زندگی بهتری پیدا کنند. من واقعاً نمی‌دانم که آیا آنها آن قدر صبور خواهند بود که کمربندها را محکمتر از سابق ببندند و تاب وضعیتی را بیاورند که تقریباً همه جنبه‌های خردکننده است یا نه. هیچکس نمی‌داند که خط مشی انتقالی برای مدتی چنین طولانی از سوی اکثریت مردم پذیرفته خواهد شد یا نه. به همین دلیل، لخ و السا به ملت و نیز تمام دنیا گفت که دشوارترین دوران در پیش روی ما قرار دارد. من می‌توانم خودم را یک بازنده سیاسی بنامم، چون ژنرال یاروژلسکی و حزب کمونیست مرا سقیر کرده‌اند، اما از آینده لهستان نمی‌ترسم. به اتحادیه "همبستگی" بسیار علاقه دارم، چون اعضای آن واقعاً برای اعتلای زندگی مردم لهستان زحمت می‌کشند. نسبت به دولت آقای مازوویتسکی هم وفادار هستم، قلباً احساس می‌کنم که باید از او حمایت کنم. وی یکی از بهترین رهبران سیاسی کشور است. توجه داشته باشید که من در درجه اول نماینده کشور لهستان هستم، نه نماینده حزب. از این که دوستان من در کشورهای سوسیالیستی، به ویژه شوروی، سعی می‌کنند معنای واقعی تحولات لهستان را درک کنند، بسیار خوشحالم. معتقدم که بدون پرسترویکای گورباچف هیچگونه اصلاحی در لهستان به وقوع نمی‌پیوست.

● لخ و السا کیست؟ یک سوسیالیست، یک ملی‌گرا؟ یک انقلابی، یا عامل غرب؟

— لخ و السا نمونه واقعی کارگر لهستانی است. مردی تحصیل کرده است. سابقاً تکنیسین برق بوده، و حالا رهبر "همبستگی" و کشور است. از جذابیت خاصی برخوردار است، هر چه بگوید همه باور می‌کنند. به طور قطع ساخت لهستان است. در عتفوان جوانی عضو حزب کمونیست بود، اما هیچوقت خودش را جزو کمونیستها به حساب نمی‌آورد. در

عملاً" موفق بوده‌اند، فروخته شوند، این طرح در حال حاضر در دست بررسی است.

مبارزه با انحصار از طریق عدم صدور مجوز تازه برای تأمین کارخانه‌ها شرکتهای انحصاری جدید و از بین بردن سازمانهای انحصاری می‌شود. در این حال، می‌توان سازمانهای بزرگ را تفکیک و به سازمانهای کوچکتر تبدیل کرد.

افزایش نقش بخش خصوصی از طریق خصوصی کردن بخشهایی از صنعت و تجارت.

تبدیل واحد پول لهستان "زلوتی" به یول بین‌المللی - امیدواریم این برنامه از اوایل سال آینده مسیحی اجرا شود.

در حال حاضر، مذاکرات مفصلی میان لهستان و مقامهای صندوق بین‌المللی پول جریان دارد. هنوز توافق نهایی حاصل نشده، اما، به هر حال دستیابی به توافق نقطه آغازی برای دریافت وام جهت تثبیت واحد پول لهستان و شروع مذاکرات نهایی با اعضای کلوب پاریس پیرامون نحوه پرداخت بخش عمده بدهی‌های لهستان خواهد بود. انتظار می‌رود، در پی دستیابی به توافق، سرمایه‌های خارجی با حجمی به مراتب بیش از حجم کنونی به سوی لهستان سرازیر شود که از آنها جهت سرمایه‌گذاری در صنایع، بازرگانی و خدمات استفاده خواهد شد.

آیا تحولات اخیر کشورهای اروپای مرکزی در "کومکون" تاثیر خواهد گذارد؟

بله، اما چون برخی از اعضای سازمان، با توجه به تغییرات اقتصادی جدید هنوز آماده مذاکره نیستند، انتظار می‌رود روند تغییرات در کومکون طولانی شود. در حال حاضر، بعضی از اعضای کومکون از قبیل شوروی، مجارستان و لهستان و به احتمال آلمان شرقی آمادگی ایجاد تغییرات اساسی در جهت اقتصاد بازار را دارند، اما کشورهای سوسیالیستی دیگر، هنوز در باب این موضوع فقط فکر می‌کنند، ما اعتقاد داریم تجدید سازمان کومکون برای اقتصاد تمام کشورهای اروپای شرقی سودمند خواهد بود.

آقای مستشار خبر اقتصادی دست اول چه دارید؟

این روزها خبر دست اول زیاد است، اما در حال حاضر فقط می‌توانم بگویم که کل ساختار اقتصادی لهستان دارد متحول می‌شود. این روزها، پارلمان و تمام وزارتخانه‌های لهستان، سخت درگیر تدوین قوانین تازه منطبق با تغییرات اخیر کشور به‌ویژه در زمینه اقتصاد هستند. تدوین قوانین جامع در باب مالکیت از اهم این موارد خواهد بود. مورد بسیار مهم دیگر، ممنوعیت هرگونه فعالیت سیاسی در بخشهای تولیدی خواهد بود و در صورت به‌تصویب رسیدن قانون مربوطه، حفظ اتحادیه‌های کارگری کارخانه‌ها از حق فعالیت برخوردار خواهند بود.



ایوان کسیدینوف
سفیر بلغارستان در تهران

جناب سفیر، تازه چه خبر؟

آخرین خبر این است که آقای تئودور زیوکف از فردا صبح رئیس‌جمهور کشور خواهد بود. ایشان چندی پیش از سمت دبیر کلی حزب کمونیست برکنار شدند، اما تا همین امروز پست ریاست جمهوری را دارند. در اجلاس پلنوم که فردا تشکیل خواهد شد، رئیس‌جمهوری تازه بلغارستان انتخاب خواهد شد.

به نظر شما رئیس‌جمهور تازه بلغارستان چه کسی خواهد بود؟ این احتمال وجود دارد که آقای پترمالادنوف به ریاست جمهوری برگزیده می‌شود؟

هیچکس به‌طور قطع نمی‌داند، فردا چه کسی انتخاب خواهد شد. از سوی دیگر آقای مالادنوف اخیراً "خواستار جدایی نهاد ریاست جمهوری از حزب کمونیست شده است، این بدان معناست که به احتمال شخص دیگری به مقام ریاست جمهوری خواهد رسید. شاید هم خود آقای مالادنوف انتخاب بشود، نمی‌دانم.

روند پرسترویکا در برخی از کشورهای اروپای مرکزی - مثلاً در لهستان - به دلیل تنگنای اقتصادی و به‌قصد بازسازی اقتصاد آن کشورها آغاز شد. اخیراً این روند در بلغارستان هم آغاز شده. آیا شما هم با مشکلات اقتصادی جدی روبرو بودید؟

ما هیچ‌گونه مشکل اقتصادی نداشته‌ایم. بلغارستان از حیث وضعیت اقتصادی یکی از کشورهای سرآمد جهان، است. ما در طول چهل و چهار سال اخیر، در این زمینه دستاوردهای شگرفی داشته‌ایم. این را با ارقام ثابت می‌کنم. در حالی که درآمد ملی ما رقمی بین ۲۷ تا ۲۸ میلیارد دلار است،

حجم مبادلات بازرگانی مان - صادرات و واردات - ۳۰ میلیارد دلار در سال است. به این واقعیت توجه داشته باشید که بلغارستان کشور کوچکی است، ۹ میلیون جمعیت دارد و مساحت آن یک پانزدهم ایران است.

پیش از آغاز پرسترویکا، وضعیت انتخابات پارلمانی در بلغارستان چگونه بوده است؟

انتخابات پارلمانی همواره آزاد بوده است. در این زمینه هرگز مشکلی نداشته‌ایم. بگذارید به شما بگویم که اساساً از همان ابتدا سوسیالیسم و کمونیسم در بلغارستان شکل دیگری داشته، چرا که بلغارستان کشور متفاوتی است، مثلاً حزب کمونیست بلغارستان در سال ۱۸۹۱ بنیان گذارده شد. یعنی قبل از تأسیس حزب بلشویک‌ها در خود شوروی. عملاً بعد از انقلاب ۱۹۴۴ همه چیز در بلغارستان تغییر کرده، اصلاً "چهره" کشور تغییر کرده است. ما این همه را مدیون سوسیالیسم هستیم. با اجرای پرسترویکا از امکانات بهتر اضافی سوسیالیسم در همه زمینه‌ها برخوردار خواهیم شد.

آیا پیش از این مردم بلغارستان اجازه مسافرت به کشورهای دیگر را داشتند؟

بله، البته همه نمی‌توانستند به سهولت از کشور خارج شوند، برای اینکه همه گذرنامه در اختیار نداشتند، اما پس از امضای موافقتنامه وین در ماه مه ۱۹۸۹، مسافرت به خارج برای کلیه اتباع بلغارستان آزاد شده، و به همه گذرنامه داده می‌شود. حالا بلغاریها می‌توانند به هر کجای دنیا که دلشان بخواهد بروند.

آقای سفیر، به این ترتیب اوضاع بلغارستان از همه جهت خوب بوده و دلیلی برای آغاز اصلاحات در کشور شما وجود نداشته. پس چرا این روند در بلغارستان آغاز شد؟

زمانی بود که ما به‌گونه‌ای وابسته به غرب بودیم، آن روزها نداشتیم که بخوریم، اما همواره امید به آینده بهتر داشتیم. تحت سوسیالیسم به همه چیز رسیدیم، اما باز کافی نیست و در جستجوی استانداردهای بالاتری برای زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستیم. من به‌شخصه اعتقاد دارم که جز پرسترویکا، هیچ راه دیگری برای رقاء بیشتر مردم و نهایتاً پیشرفت کشور وجود ندارد. وقتی راجع به این واژه فکر می‌کنم، فقط کشور خودم در ذهنم نیست، به همه کشورهای جهان و از جمله به ایران هم فکر می‌کنم. پرسترویکا، یعنی اصلاحات واقعی و همه‌جانبه در تمام شئون زندگی. پرسترویکا، یعنی اصلاحات بنیادی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

چرا برخی از کشورهای اروپای مرکزی از موج اصلاحات اخیر دور مانده‌اند! پیش‌بینی شما در مورد آینده این کشورها چیست؟

برای قضاوت صحیح در باره هر چیزی،

بلغارستان

باید از تمام جوانب آن آگاه باشیم. باید موقعیت کشورهای مختلف را بشناسیم تا بتوانیم آنچه را که در آنها می‌گذرد، درک کنیم. همواره گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که پرسترویکا، کالای وارداتی نیست، این بدان معنا است که این امر در هر کشوری بنا بر مقتضیات آن کشور اتفاق می‌افتد یا نمی‌افتد. باید اجازه بدهیم ملت‌ها بر حسب شرایط و اوضاع خودشان انتخاب کنند.

همین اواخر آقای گورباچف در پاسخ به عملکرد رسانه‌های گروهی غرب در باب روند پرسترویکا گفت: " سعی نکنید کاپیتالیسم را صادر کنید، زیرا که این به مثابه بازگشت به دوران جنگ سرد خواهد بود." من هم فکر می‌کنم که این تبلیغات واقعا " فراتر از دخالت در امور داخلی دیگران است. باید کشورها را به حال خودشان گذاشت، تا خود تجربه کنند و خود انتخاب کنند. آقای بوش، هم همین اواخر اظهار داشت " ما به کاپیتالیسم خود می‌بالیم، اما آن را به جوامع دیگر پیشنهاد نمی‌کنیم." این هم حرف کاملا " درستی است. هر کشوری باید به حال خودش باشد.

● از عملکرد رسانه‌های غربی گفتید؟ نظرتان راجع به نحوه پخش اخبار مربوط به اصلاحات اروپای شرقی از سوی این رسانه‌ها چیست؟
- آدم اولین چیزی که از این رسانه‌ها می‌فهمد این است که آنها عملا " در پی نحوه پیشرفت دموکراسی در کشورهای بلوک شرق نیستند. آنها فقط دنبال این بین بردن سوسیالیسم هستند. این واقعا " دخالت در امور دیگران است و کار خوبی نیست. اگر واقعا " می‌خواهند به پیشرفت پرسترویکا کمک کنند، باید راه کاملا " متفاوتی را در پیش گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی